

هویت اجتماعی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی

ابوالفضل اشرفی*

چکیده

مقاله حاضر در پی طرح هویت اجتماعی و نقش آن در پیشگیری از انحرافات اجتماعی است. در این مقاله که به روش مطالعه اسنادی و مطالعه میدانی به شیوه مصاحبه توأم با پرسشنامه انجام شده، نتایج کلی به شرح ذیل به دست آمده است:

۱- تعریف هویت اجتماعی و نقش عوامل زمینه‌ساز آن؛

هویت اجتماعی عبارت از تصور، درک و ارزیابی فرد نسبت به خود از منظر دیگران (جامعه) است. اگر این تصور و ارزیابی، مثبت باشد و فرد احساس کند از منظر دیگران یا جامعه، دارای جایگاه، ارزش و احترام است، احساس هویت اجتماعی، و در غیر این صورت، احساس بی‌هویتی اجتماعی خواهد کرد. عوامل زمینه‌ساز احساس هویت اجتماعی عبارتند از نهادهای خانواده، مدرسه، رسانه‌های گروهی - به‌ویژه تلویزیون و سینما - دولت و گروه دوستان.

در صورتی که نهادهای مزبور، عوامل زمینه‌ساز احساس هویت اجتماعی افراد، خصوصاً نوجوانان را فراهم کنند، احساس هویت اجتماعی آنان همچون عاملی بازدارنده، از انحرافات آنان جلوگیری خواهد کرد.

۲- نتایج مطالعه میدانی؛

نتایج مطالعه میدانی در قالب فرضیه محوری - هرچه احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان

نسبت به نظام اجتماعی بیش‌تر شود، هویت‌یابی آنان در قالب گرایش به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال بیش‌تر می‌شود. در یک نمونه ۱۹۲ نفره در دو گروه از نوجوانان دختر و پسر متظاهر و غیرمتظاهر به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال، در سه منطقه از شهر تهران (نمونه‌هایی از مناطق بالا، متوسط و پایین از نظر سطح زندگی) بیانگر تأیید رابطه فوق ($\beta = ۰/۶۴$) است؛ و این به معنای نقش مؤثر احساس هویت اجتماعی در پیشگیری از انحرافات اجتماعی است.

مقدمه

یکی از مسائل اجتماعی کشور در حال حاضر، گرایش نوجوانان به الگوهای مختلف فرهنگ غربی از قبیل رپ و هوی‌متال است. از میان نظریه‌هایی که به تبیین این مسئله و انحراف اجتماعی پرداخته‌اند، به نظر می‌رسد نظریه‌های مربوط به هویت اجتماعی از قدرت تبیینی بالایی برخوردار باشند.

در این مقاله که برگرفته از پژوهش نمونه شایسته تشویق در سال ۱۳۷۸ تحت عنوان «بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب» است، عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای غربی رپ (Rap) و هوی‌متال (Heavy Metal) در تهران با تکیه بر رویکردهای مختلف نظری، بررسی و سعی شده است تا با ارائه تعریفی از هویت اجتماعی و ساختن شاخص‌هایی برای سنجش احساس بی‌هویتی اجتماعی، از طریق مطالعه‌ای پیمایشی (survey) گرایش انحرافی نوجوانان به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال در سه سطح ایستاری، کنشی و نمادی سنجیده شود.

بدین ترتیب، مقاله حاضر ضمن تشریح هویت اجتماعی و نقش آن در پیشگیری از انحرافات اجتماعی، به ارائه نتایج کلی مطالعه میدانی در زمینه گرایش نوجوانان به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال می‌پردازد.

بدین منظور، در ابتدا به تاریخچه هویت اجتماعی و اهمیت آن در جلوگیری از انحرافات اجتماعی اشاره و سپس ضمن مطرح کردن آرای صاحب نظران هویت اجتماعی، تعریفی از این مقوله ارائه می‌شود. در پایان نیز ضمن اشاره به چهارچوب نظری، مدل تحلیلی، و فرضیه تحقیق، به نتایج مطالعه میدانی پرداخته خواهد شد.

تاریخچه هویت

اصطلاح «هویت» که به بررسی تداوم، تغییر و وحدت در عین کثرت می‌پردازد، دارای تاریخ فلسفی بلندمدتی است. استفاده از این اصطلاح از دهه ۱۹۵۰ رایج شده و در دو حوزه نظری روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به بحث گذاشته شده است. نظریه‌های حوزه روان‌شناسی که با کارهای فروید شروع شده است، بر هسته درونی و ذهنی یک ساختار روانی و فیزیکی تأکید دارند، اما سنت جامعه‌شناسی نظریه‌های هویت با مفهوم «خود» در مکتب کنش متقابل نمادین پیوند خورده است. نظریه‌های جامعه‌شناسی در ابتدا با کارهای ویلیام جیمز و جورج هربرت مید شروع شد و بعدها از طریق کارهای اروینگ گافمن، پتر برگر و دیگران مفهوم هویت به طور روشن استقرار یافت و وارد تحلیل‌های جامعه‌شناسان گردید (Bottomore, 1993: 270-277).

تعریف و اهمیت هویت اجتماعی

هویت اجتماعی عبارت از تصور، درک و ارزیابی فرد نسبت به خود از منظر دیگران یا جامعه است که در نتیجه آن، احساس کند از منظر دیگران یا جامعه دارای جایگاه، ارزش و احترام است (Burk, 1991: 836; Kroger, 1996: 9).

هویت اجتماعی از آن جهت اهمیت دارد که اصولاً احساس هویت انسان در مورد جامعه یا هر پدیده دیگر و حتی احساس هویت در خصوص خداوند، وی را به رعایت هنجارهای مورد نظر ملزم می‌کند و همچون عاملی بازدارنده در انحرافات او عمل می‌نماید. ماجرای حضرت یوسف (ع) که در قرآن کریم بیان شده به روشنی مؤید این مطلب است:

در آیه ۲۱ سوره یوسف آمده است که وقتی عزیز مصر - فرماندار مصر - یوسف (ع) را همچون برده خریداری کرد، به همسرش زلیخا گفت: «اکرمی مثواه». کلمه مثوی در فرهنگ لغات قرآنی به معنای جایگاه و ارزش و بیان‌کننده مفهوم احساس هویت است (المصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۹-۴۰) و در این جا، اشاره به جایگاه و ارزش یوسف (ع) در مقام برده دارد؛ یعنی، او به اعتبار این که برده است، از جایگاه پست و حقیری برخوردار است، اما تو او را گرامی بدار و برای او جایگاه و ارزش بالایی قائل باش. همچنین، در آیه

۲۳ می‌فرماید که وقتی زلیخا یوسف (ع) را به قصد مراوده به خود دعوت کرد، یوسف (ع) فرمود: «معاذالله، انه ربی احسن مثنوی». در تفسیر این آیه، مفسران اختلاف نظر دارند؛ اکثر مفسران، از جمله مرحوم طبرسی معتقدند که با قرینه آیه ۲۱ که شوهر زلیخا گفته است «اکرمی مثنوا»، در این جا یوسف (ع) می‌فرماید: چون همسر تو مرا گرامی داشت و برای من ارزش و جایگاه بالایی قائل شد، من به او خیانت نمی‌کنم (طبرسی، ۱۹۸۸: ۳۳۸ - ۳۴۰). اما برخی دیگر از مفسران، از جمله علامه طباطبایی معتقدند که به قرینه کلمه معاذالله، رب در این جا به معنای پروردگار است (نه به معنای عزیز مصر)، بنابراین، یوسف (ع) فرموده است: پناه بر خدا، به درستی که خدایم مرا گرامی داشته و برای من ارزش و جایگاه بالایی قائل بوده است... پس من هرگز نافرمانی او را نخواهم کرد (طباطبایی، ۱۹۷۲: ۱۲۳).

در هر حال به بیان قرآن کریم، عامل بازدارنده یوسف (ع) از انحراف او و وفاداریش به خداوند یا عزیز مصر، احساس هویت او نسبت به خداوند یا عزیز مصر بوده است. بدین ترتیب، اگر احساس هویت اجتماعی افراد جامعه در خصوص الگوها و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی خودشان، طی فرآیند جامعه‌پذیری سالمی شکل بگیرد، همچون عاملی بازدارنده از انحرافات آن‌ها جلوگیری خواهد کرد.

نظریه‌هایی که بر شکل‌گیری هویت اجتماعی تأکید دارند

الف. نظریه خودآینه‌سان کولی (C. H. H. Cooley) و مید (G. H. Mead)

از اولین نظریه‌هایی که پایه و مبنای نظریه‌های هویت اجتماعی محسوب می‌شود، نظریه خودآینه‌سان کولی است که مید نیز آن را توسعه داده است. در این نظریه، نقش جامعه در شکل‌گیری هویت افراد، خصوصاً نوجوانان بیان شده است.

کولی معتقد است که انسان‌ها حرکات و اشارات دیگران را برای دیدن آن‌ها به کار می‌گیرند. به زعم او، تصوراتی که افراد از خود دارند، به بازتاب آینه شبیه است؛ افراد در معرض واکنش‌های دیگران نسبت به رفتارشان قرار می‌گیرند؛ بنابراین، انسان‌ها با خواندن حرکات و اشارات دیگران، خود را همچون شیئی می‌بینند:

«وقتی ما صورت، اندام و لباس خود را در آینه می‌بینیم، به آن‌ها علاقه‌مندیم، چون به ما

تعلق دارند... همین‌طور در تصویر نیز، ما در ذهن دیگران تفکری از نمود حالات، اهداف، کردار، منش، دوستان خود، و غیره را مشاهده کرده، به طرق مختلفی تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم» (Cooley, 1902:184).

هنگامی که افراد خود را در آینه حرکات و اشارات دیگران می‌بینند، نمود خود در چشم دیگران را تصور می‌کنند، قضاوت دیگران را احساس می‌نمایند، و در مورد خودشان، احساس خود را که طی فرآیند کنش متقابل شکل گرفته است، توسعه می‌دهند. کولی معتقد است که وضعیت خودآینه‌سان بیش‌تر در دوره بلوغ و نوجوانی جلوه‌گر می‌شود، زیرا در این دوره، فرد در معرض دیگران متفاوت قرار می‌گیرد و خود را در آینه آن‌ها می‌بیند و احساسی دیگرگونه را در مورد خود توسعه می‌دهد. هنگامی که افراد در محیط اجتماعی به کنش مشغولند، دیگران نیز واکنش نشان داده، این واکنش پیش‌بینی می‌شود؛ از طریق این فرآیند که در طول دوره کودکی، نوجوانی و بلوغ رخ می‌دهد، «شخصیت» فرد شکل می‌گیرد.

مید نیز اظهار می‌کند که وجود سلسله‌ای از احساس‌ها به کنش انسان ثبات و قابلیت پیش‌بینی می‌دهد و همکاری با دیگران را تسهیل می‌نماید (ترنر، ۱۳۷۱: ۵۱۹-۵۲۲). او همچنین معتقد است که تصور هرکس از خود به مثابه یک شیئی و توانایی وی در انتخاب رفتارهای بدیل از طریق خواندن حرکات و اشارات دیگران و تعیین گرایش‌ها و حالات آن‌ها مسیر است. به نظر او، توانایی دیدن خود به منزله یک شیئی در میدان تجربه و در خلال کنش متقابل با دیگران به فرد امکان می‌دهد تا خود را در رهگذر دیگران ببیند. به این ترتیب، افراد می‌توانند جای خود را در میدان درک ببینند و از همین رو، پاسخ‌هایشان را از طریق توانایی ذهن‌طوری تنظیم کنند که فعالیت‌هایشان هماهنگ شود:

«خود، چیزی است که دارای توسعه است؛ هنگام تولد، در ابتدا وجود ندارد، بلکه در فرآیند تجربه و فعالیت اجتماعی ایجاد می‌گردد؛ یعنی، در نتیجه روابط فرد با این فرآیندها به طور کلی و افراد دیگر در درون این فرآیندها در وی به وجود می‌آید... فرد، غیرمستقیم از دیدگاه‌های ویژه دیگر اعضای همان گروه اجتماعی یا از دیدگاه عام گروه اجتماعی‌ای که به طور کلی بدان تعلق دارد، خود را تجربه می‌کند و تنها با گرفتن گرایش افراد دیگر درون یک محیط اجتماعی نسبت به خود یا زمینه تجربه و رفتاری که در هر دوی آن‌ها

درگیر است، از نظر خود به یک شیئی تبدیل می‌شود» (Mead, 1934:143).
 به‌طور کلی، خود در نظر مید، مانند سایر اشیای محیط، محرکی برای رفتار است و ثبات خود، تا حد زیاد نتیجه یگانگی و ثبات فرآیندهای اجتماعی‌ای است که خود، از آن‌ها ایجاد می‌شود (ترنر، ۱۳۷۱: ۵۴۰-۵۴۵).
 بنابراین، با استناد به مفاهیم مید و کولی می‌توان نتیجه گرفت که شکل‌گیری «خود» افراد که هویت اجتماعی آن‌ها از طریق آن ایجاد می‌شود، مقوله‌ای است اجتماعی که در زمینه دیگران و جامعه حاصل می‌شود.^(۱)

نظریهٔ برگر، لوکمان، گی‌روشه

به‌نظر برگر و لوکمان، هویت یکی از اجزای اصیل واقعیت ذهنی است و مانند هرگونه واقعیت ذهنی، پیوندی دیالکتیک با جامعه دارد. هویت در اثر فرآیندهای اجتماعی تشکیل می‌شود، و پس از متبلور شدن، باقی می‌ماند، تغییر می‌کند، یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی، از نو شکل می‌گیرد.

فرآیندهای اجتماعی‌ای که هم در تشکیل هویت و هم در حفظ آن دخیلند، بر حسب ساختار اجتماعی تعیین می‌یابند. به‌علاوه، انسان به هویتی علاقه‌مند است که دیگران تأییدش می‌کنند (برگر و لوکمان، ۱۳۷۵: ۲۳۶، ۲۴۰).

به‌نظریهٔ روشه، هر شخص به‌وسیله و از طریق محیط‌های مختلفی که بدان تعلق دارد یا بدان رجوع می‌نماید، هویت خود را توسعه می‌بخشد؛ یعنی، می‌تواند تعریفی از آن چه به مثابهٔ شخص - فردی یا اجتماعی - مطرح است برای خود و دیگران ارائه نماید، زیرا آن چه «شخصیت اجتماعی» نامیده می‌شود، در واقع همین هویت است که برای شخص جایی در جامعه تعیین می‌کند و نوعی وحدت و انسجام به هستی و عمل او می‌بخشد (روش، ۱۳۷۰: ۱۸۲).

۱- کهلبرگ در صفحهٔ دهم کتاب Identity in Adolescence رابطه‌ای نزدیک بین اصطلاح هویت با مفهوم خود (Ego) برقرار کرده است.

نظریه ژان کروجر (Jane Kroger)

ژان کروجر معتقد است: «شکل ثابت هویت در مراحل مختلف دوره زندگی، به مثابه توازنی بین برداشت شخص از خودش و برداشت دیگران از او تعریف شده است. این توازن جدید بین خود و دیگران (جامعه) که فرآیند رابطه «ذهنیت - عینیت» نیز نامیده می شود، نوعی بازسازی از اهداف را برای تعیین هویت شخص در بر می گیرد؛ دیگران (جامعه) به زعم او همچون عواملی مستقل در کمک به تشخیص «من واقعی» فرد مهم هستند» (Kroger, 1996: 9, 47).

نظریه جوانا واین (Johanna Wyn) و راب وایت (Rob White)

جوانا واین و راب وایت معتقدند که هویت اجتماعی در متن مجموعه‌ای از تجربیات مربوط به زندگی، در وهله اول با بعد محلی و مکانی زندگی، خانواده و منابع اجتماعی ساخته می شود؛ جایی که شخص در آن زندگی و رشد می کند (از لحاظ فیزیکی و سازگاری‌های اجتماعی در دسترس)؛ همچنین زمینه خانوادگی شخص، تأثیرات زیادی بر نگرش او به جهان اطراف و تجربه اجتماعی او و نقش بسیاری نیز در شکل‌گیری هویت‌های افراد و سازگاری با جهان اجتماعیشان دارد. به اعتقاد این نظریه پردازان، هویت اجتماعی در نهادهای اجتماعی از قبیل مدرسه، محیط‌های کار، فعالیت‌های تفریحی و اوقات فراغت امکان‌پذیر است. بنابراین، نهادهای اجتماعی باید با مشارکت دادن نوجوانان و جوانان، به آن‌ها احساس هویت ببخشند، زیرا قبل از هر چیز، هویت به ارتباط اجتماعی مربوط است و درجه ارتباط و عدم ارتباط از مسیر نهادهای اجتماعی، عامل بسیار مهمی در زندگی فرهنگی افراد جوان و روابطشان با ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مسلط جامعه به شمار می‌رود. بسیاری از خرده‌فرهنگ‌های شورشگر، از افرادی تشکیل می‌شوند که در چارچوب ایدئولوژیک مسلط جامعه مشارکت داده نشده‌اند.

همچنین این نظریه‌پردازان معتقدند که منابع هویت‌های در دسترس نوجوانان عبارتند از خانواده، رسانه‌های گروهی، مدرسه و گروه همسالان (Wyn & White, 1997: 81-92).

نظریه نظام کنترل فرآیند هویت اجتماعی

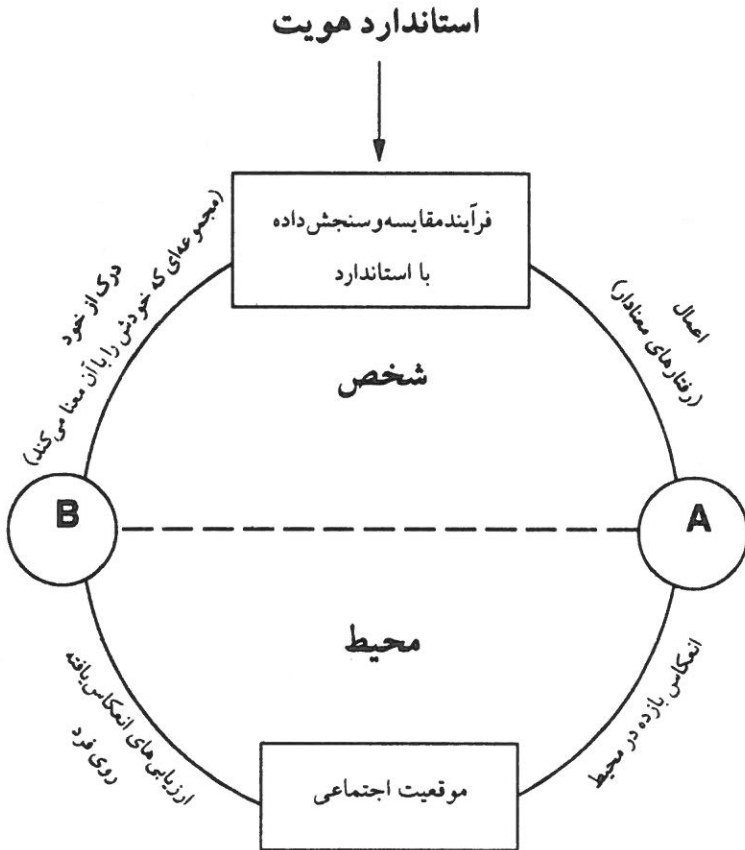
هدف این نظریه نشان دادن الگویی از روابط بین فشار و هویت است که در نتیجه آن، هویت جدیدی شکل می‌گیرد. این نظریه نشان می‌دهد که فشارهای اجتماعی (و محیطی) منجر به شکستن حلقه‌های بازگشتی‌ای می‌شوند که فرآیند هویت را حفظ می‌کنند.

بر اساس این نظریه، انقطاع فرآیند هویت از عملکرد دو سازوکار حاصل می‌شود: ۱- حلقه‌های شکسته شده هویت و ۲- نظام‌های هویتی بیش از حد کنترل شده. هر کدام از این سازوکارها شرایطی را برای ایجاد فشارهایی فراهم می‌کنند که نتیجه آن، انقطاع فرآیند هویت را در بردارد و نتیجه این انقطاع نیز احساس بی‌هویتی و کسب هویتی تازه خواهد بود. این نظریه نشان می‌دهد که چگونه ارزیابی یک شخص نسبت به خودش از جامعه - احساس هویت اجتماعی - با فشارهای اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند و چگونه این فشارها، فرآیند هویت فرد را منقطع می‌کند و فرد احساس بی‌هویتی کرده، هویت جدیدی را جایگزین می‌کند (Burk, 1991: 836).

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی رشته‌ای از معانی است که فرد در محیط یا موقعیت اجتماعی برای تعریف خود به کار می‌برد. این رشته از معانی، هم شامل اجزای نمادین و هم غیرنمادین می‌شود؛ جزء نمادین، شامل تصور عمومی ما از معانی است، همان‌طور که در کنش متقابل نمادین نیز آمده است. جزء غیرنمادین شامل منابع گوناگونی است که به واسطه نقش شخص در جامعه، تحت کنترل او درمی‌آید. این رشته از معانی، به مثابه منبع یا استاندارد برای ارزیابی شخص از خودش در جامعه به کار می‌رود. بر این اساس، شکل‌گیری هویت اجتماعی، یک حلقه برگشتی و دور کامل دارد (Ibid, 837).

مدل شماره ۱. طرح شماتیک نظام کنترل فرآیند هویت اجتماعی



Source: Peter Burk, Identity Processes and Social Stress, 838.

این مدل، معانی انقطاع ممکن را در نقطه‌های A و B نشان می‌دهد.

همان‌طور که در مدل شماره ۱ نشان داده شده است، این حلقه یا دور کامل، چهار جزء دارد:

۱- درک از خود یا مجموعه‌ای که فرد، خودش را با آن معنا می‌کند؛

۲- «داده» که از محیط یا موقعیت اجتماعی دریافت می‌شود (ارزیابی‌هایی که از بیرون روی فرد انعکاس یافته است)؛

۳- فرآیندی که داده را با استانداردهای هویت، مقایسه و سنجش می‌کند؛

۴- «بازده» برای محیط - رفتارهای معنادار - که نتیجه‌ای از این مقایسه است (Ibid, 837).
به‌طور خلاصه، فرآیند شکل‌گیری هویت اجتماعی بر اساس مدل نظام کنترل فرآیند هویت اجتماعی به شرح ذیل است:

در ابتدا تحت تأثیر موقعیت اجتماعی و محیط، ارزیابی‌هایی به منزله «داده» روی فرد انعکاس پیدا می‌کند؛ در مرحله بعد، فرد خود را با این داده‌ها معنا می‌کند و از این طریق درکی از خودش به دست می‌آورد. این درک فرد از خودش در پیوند با جامعه، با استانداردهای هویت شخص، مقایسه و سنجش می‌شود و بازده این سنجش، اعمال و رفتار معنادار فرد را تشکیل می‌دهد. هنگامی که این بازده در محیط یا موقعیت اجتماعی منعکس شود، در واقع هویت اجتماعی فرد شکل گرفته است.

این نظام کنترل فرآیند هویت به وسیله اصلاح بازده (رفتار) برای موقعیت اجتماعی کار می‌کند تا داده‌ها (ارزیابی‌های انعکاس‌یافته از بیرون روی فرد) را برای سازگاری با استانداردهای داخلی اصلاح کند. حال اگر این سازگاری وجود نداشته باشد، فرآیند هویت منقطع خواهد شد؛ به عبارت دیگر، «طبق نظریه هویت اجتماعی، فرآیند هویت، یک نظام کنترل است و این نظام کنترل در صورتی که ضعیف یا ناقص شود، بی‌هویتی اجتماعی حاصل خواهد شد» (Ibid).

بر این اساس، اگر «داده‌ای» که وارد می‌شود، با معانی شخصی در استاندارد هویت افراد همخوانی نداشته باشد، برای آن‌ها نوعی احساس فشار ایجاد می‌کند که با افزایش آن، ناسازگاری نیز افزایش می‌یابد. همچنین با ورود این فشارها، بازده نظام هویتی تغییر پیدا می‌کند (Ibid).

* منظور از استاندارد هویت در این مدل، معانی به‌کار رفته توسط افراد برای خودشان در نقشی است که ایفا می‌کنند؛ مثلاً هویت جنسی یک شخص برای درجه

معینی از مرد بودن او است، یا هویت دانشجویی یک فرد ممکن است به صورت همزمان، در درجه‌های معینی از موفقیت‌های تحصیلی، عقل‌گرایی، خوش‌مشرب بودن و ادعاهای شخصی قرار گیرد.

* محیط در این مدل، یک نظام کنش متقابل اجتماعی است که شامل منابع در دسترس و رفتارهای دیگران است.

* «بازده» هم برای محیط، رفتارهای معناداری هستند که ممکن است این منابع و رفتارها را تغییر دهند؛ به عبارت دیگر، بازتاب داده (اعمال اجتماعی) روی نظام تعامل اجتماعی، حلقه‌های برگشتی را کامل می‌کند و خودش منجر به داده‌های جدیدی به نظام شخصیتی یا هویت می‌شود (Ibid, 839).

انقطاع هویت

همان طور که در ابتدا گفته شد، انقطاع فرآیند هویت از طریق دو سازوکار صورت می‌گیرد. نحوه عملکرد این دو سازوکار به شرح ذیل است:

۱. سازوکار حلقه‌های شکسته شده هویت:

چنان که قبلاً بیان شد، مدل شماره ۱ نشان می‌دهد که فرآیند هویت، یک نظام کنترل است؛ بنابراین، شکل‌گیری هویت، مستلزم طی کردن دور کامل نمودار است؛ به عبارت دیگر، فرآیند هویت، یک حلقه بسته شده از طریق محیط یا موقعیت اجتماعی از سوی «داده» - نقطه B در مدل شماره ۱ - به سمت «بازده» - نقطه A در مدل شماره ۱ - و برگشت به «داده» است؛ حال اگر حلقه‌های نظام کنترل فرآیند هویت به وسیله انقطاع رویدادهای درونی مدل شکسته شود، فرآیند هویت منقطع می‌گردد. هنگامی که حلقه شکسته شد، فرآیند هویت برای کارکرد، عموماً متوقف می‌شود. شکسته شدن حلقه از دو راه امکان‌پذیر است: ۱- امکان دارد حلقه در نقطه‌ای شکسته شود که «بازده» (رفتار) وارد محیط می‌شود - نقطه A در مدل شماره ۱؛ ۲- حلقه فرآیند هویت در نقطه‌ای شکسته می‌شود که «داده» از محیط دریافت شده است - نقطه B در مدل شماره ۱. در این صورت، ممکن است فرد قادر به دریافت معانی موقعیت یا محیط نباشد، یا ممکن است

دریافت نادرستی از آن داشته باشد؛ به عبارت دیگر، معانی دریافت شده (داده‌ها) نمی‌توانند با استاندارد هویت فرد سازگار شوند. این جریان موجب وارد آمدن فشارهایی بر فرد می‌شود و او را به سوی داده‌های جدید که منجر به کسب نقش‌ها و هویت‌های تازه‌ای می‌شود، هدایت می‌کند (Ibid, 839-842).

۲. نظام هویتی بیش از حد کنترل شده

هویت بیش از حد کنترل شده، اشاره به کوشش‌هایی دارد که برای کسب موفقیت در سازگاری ارزیابی‌های انعکاس یافته از بیرون روی فرد - در محور «داده» - با استانداردهای هویت صورت می‌گیرد. این هویت شدیداً کنترل شده، افراد را به سطوح بالاتری از فشار رهنمون می‌کند، خصوصاً در محیط‌هایی که ارزیابی‌های انعکاس یافته متغیر یا وفور منابع وجود دارد.

افرادی که هویت شدیداً کنترل شده دارند، باید مکرراً فرآیند هویتشان را تعدیل و تحریک کنند، و به خاطر توجه خودآگاه محدود شده آن‌ها در این زمینه، این تعدیل‌های مکرر ممکن است فرآیند هویتشان را منقطع کند یا اساساً فرآیند هویتشان به وسیله سایر فرآیندها منقطع شود.

«بنابراین، اگر سازگاری نتواند به واسطه بازده‌ها و داده‌های متغیر حاصل شود، به دلیل فشارهایی که در اثر انقطاع‌های مکرر بر فرد وارد می‌شود، هویت یا استاندارد مقایسه فرد ممکن است تغییر یابد و فرد هویت تازه‌ای کسب کند» (Ibid, 843-845).

نظریه جداافتادگی اجتماعی

یکی دیگر از نظریه‌های مطرح در زمینه هویت اجتماعی، نظریه جداافتادگی اجتماعی است که بر تعیین هویت گروهی به منزله جایگزین هویت اجتماعی نوجوانان در شرایطی خاص تأکید دارد.

این نظریه تصریح می‌کند که «جداافتادگی» یا «تنهایی اجتماعی» که در اثر فقدان مطرح شدن، فقدان احساس تعلق به جامعه و قرار گرفتن فرد در حاشیه جامعه حاصل می‌شود، منجر به احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان شده، به‌طور ویژه‌ای برای آنان

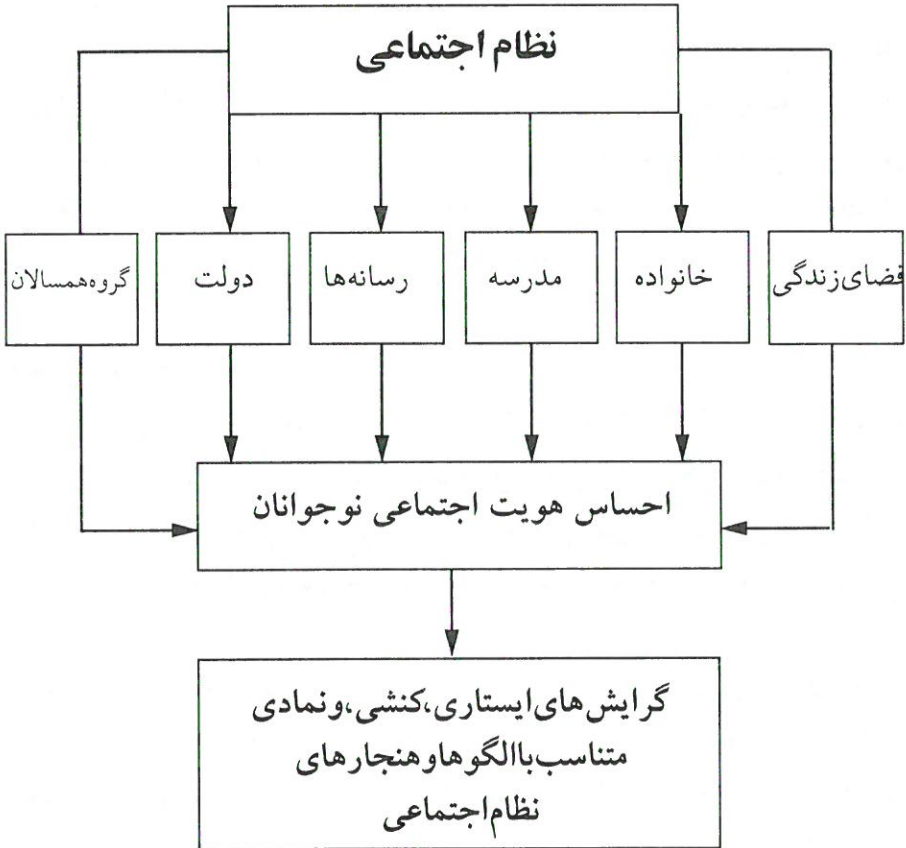
مشکل ساز می شود (Cotterell, 1996:79). در این صورت، نوجوانان برای کسب هویت خودشان به گروه همسالان رجوع و با عضویت گروهی خود در گروه همسالان، موقعیت جدیدی را در جامعه برای تعریف از خودشان پیدا می کنند (Ibid,9). یکی از این نوع گروه های همسالان که نوجوانان با پیوستن به آنها هویت اجتماعی خودشان را کسب می کنند، اصطلاحاً "Crowd Types" نامیده می شود. افراد این گروه ها به طور مشابه، تمایزات خود را در تظاهر به لباس پوشیدن، سبک موی سر، نوع سخن گفتن و رفتار خاص برای بیان کردن هویت گروهی خویش به کار می برند. دنهلم هفت نوع از این گروه ها و تمایلات مختلفشان را بررسی کرده است که برخی از آنها در زمره طرفداران موزیک های رپ و هوی متال نیز هستند (Ibid, 35-37).

چهارچوب نظری

اساس این مقاله، چهارچوب نظری تحقیقی است که ذکر آن رفت. این چهارچوب نظری که با استفاده از دیدگاه ترکیبی متشکل از حوزه های نظری جامعه شناسی، روان شناسی، روان شناسی اجتماعی و عوامل محیطی، پس از ارائه نظرگاه های آنان درباره انحرافات اجتماعی و تشریح نقاط ضعف و قوت آنها ساخته شده است، به شرح ذیل است:

نوجوانان به لحاظ موقعیت سنی و روان شناختیشان، دارای ویژگی ها و نیازهایی هستند. یکی از این نیازها کسب احساس هویت اجتماعی است و هویت اجتماعی نوجوانان در صورتی کسب می شود که نظام اجتماعی از طریق نهادهای واسطه خانواده، مدرسه، رسانه های گروهی و دولت، زمینه های لازم برای کسب هویت اجتماعی آنان را فراهم کند. در این صورت، نوجوانان نسبت به نظام اجتماعی خود، احساس هویت اجتماعی خواهند کرد و طبیعتاً، گرایش های آنان که به سه سطح ایستاری (شناختی و ارزشی)، کنشی (هنجاری و رفتاری)، و نمادی (ظاهری) تقسیم می شود (اورت و فلوید، ۱۳۷۶: ۱۱۱-۱۱۴) بر اساس الگوها و هنجارهای نظام اجتماعی شکل خواهد گرفت. در غیر این صورت، نوجوانان نسبت به نظام اجتماعی خود احساس بی هویتی خواهند کرد و در نتیجه، برای جبران هویت اجتماعی از دست رفته شان، از الگوهای هنجاری

مدل شماره ۲. مدل تحلیلی مطالعات نظری، برگرفته از چهارچوب نظری تحقیق



نظام اجتماعی خود منحرف شده، به منابع دیگر (الگوهای فرهنگ غربی) که متناسب با نیازهای آنها برایشان زمینه‌سازی شده و در فضای زندگی حول و حوش آنها و در دسترس آنها است، رجوع خواهند کرد و در نتیجه، گرایش‌های ایستاری، کنشی و نمادی آنها نیز متناسب با الگوهای فرهنگ غربی شکل خواهد گرفت.

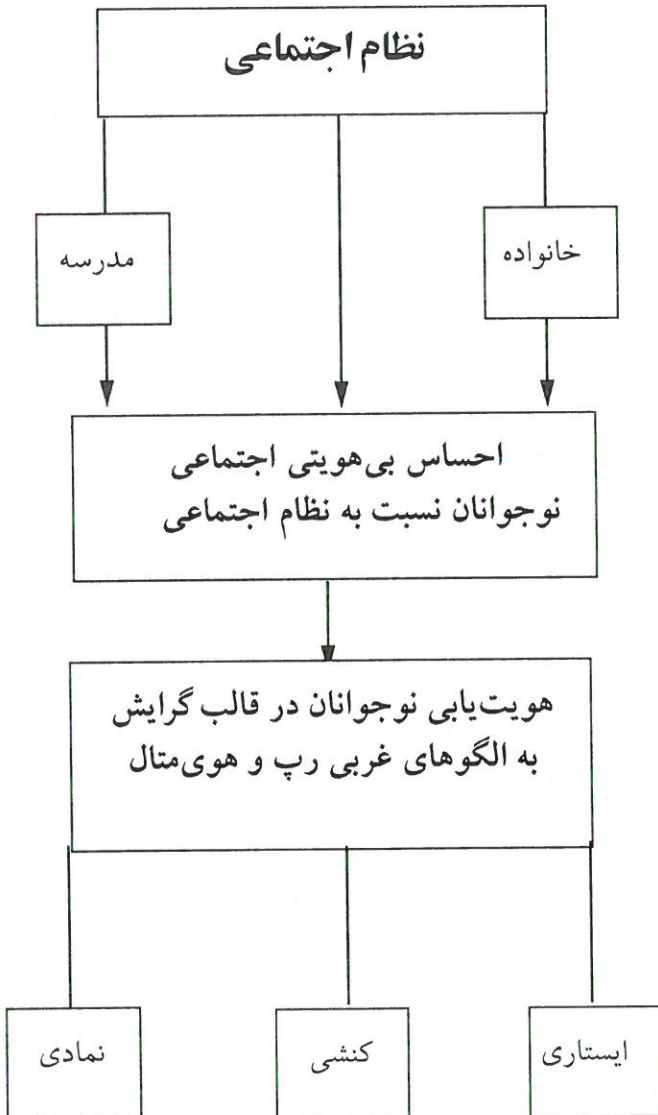
مدل‌های تحلیل

مدل شماره ۲ نشان‌دهنده نقش نظام اجتماعی در زمینه‌سازی سالم فرآیند شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی نوجوانان است.

منظور از نظام اجتماعی در این مدل، مجموعه‌ای از نهادها و سازمان‌هایی مثل خانواده، مدرسه، رسانه‌های گروهی و دولت است که نوجوانان در قلمرو آنها زندگی می‌کنند. به عبارت دیگر، «نظام اجتماعی عبارت از مجموعه واحدهایی است که با توجه به کارکردهای متفاوت و مشخص، متکی به هدفی مشترک، برای حل مسائل تلاش می‌کنند» (همان منبع، ۳۴).

بر اساس این مدل، هنگامی که نظام اجتماعی از طریق عوامل واسط خود - نهادهای خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، دولت - و همچنین فراهم‌سازی شرایط متناسب با الگوهای فرهنگ خودی در فضای زندگی نوجوانان، زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی آنان را فراهم کند، احساس هویت اجتماعی آنان متناسب با نظام اجتماعی شکل خواهد گرفت و در نتیجه، به دلیل این که گرایش‌های ایستاری، کنشی، و نمادی (ظاهری) آنها متناسب با الگوها و هنجارهای نظام اجتماعی شکل می‌گیرد، از انحراف آنها به سوی الگوهای بیگانه نیز پیشگیری خواهد شد. البته گروه همسالان نیز عاملی است که تحت تأثیر نظام اجتماعی در شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی نوجوانان، آنها را یاری می‌کند.

مدل شماره ۳. مدل تحلیلی مطالعات میدانی، برگرفته از چهارچوب نظری تحقیق



مدل شماره ۳ نقش نظام اجتماعی را در احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان نسبت به نظام اجتماعی نشان می‌دهد. براساس این مدل، نظام اجتماعی به‌طور کلی و از طریق نهادهای واسط خانواده و مدرسه به دلیل عدم موفقیت در زمینه‌سازی برای کسب احساس هویت اجتماعی نوجوانان، موجب احساس بی‌هویتی آن‌ها نسبت به نظام اجتماعی می‌شود و در نتیجه، نوجوانان برای کسب هویت جایگزین، به‌الگوهای غربی رپ و هوی‌متال در سطوح ایستاری، کنشی، و نمادی گرایش پیدا کرده‌اند و احساس هویت اجتماعی آنان پس از انحراف از الگوهای نظام اجتماعی خود، متناسب با الگوهای فرهنگی بیگانه شکل گرفته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در مدل فوق، به دلیل محدودیت‌های زمانی و گسترده شدن بیش از حد دامنه تحقیق میدانی و غیرقابل سنجش بودن برخی از عوامل واسط نظام اجتماعی با شیوه مورد استفاده در تحقیق حاضر، از میان عوامل واسط نظام اجتماعی، فقط به دو عامل مهم و قابل سنجش آن‌ها - خانواده و مدرسه - اکتفا شده و نقش سایر عوامل، تحت عنوان کلی نظام اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است.

فرضیه تحقیق

فرضیه محوری تحقیق حاضر عبارت است از:

«هرچه احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان نسبت به نظام اجتماعی بیشتر شود، هویت‌یابی جدید آن‌ها در قالب گرایش به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال بیشتر خواهد شد»

روش تحقیق

الف) جامعه آماری و تعداد نمونه

جامعه آماری عبارت است از نوجوانان دختر و پسر سیزده تا نوزده ساله ساکن تهران که از دو گروه متظاهر به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال و غیر متظاهر به الگوهای مزبور (نوجوانان عادی) تشکیل شده‌اند.

تعداد نمونه مورد بررسی عبارت است از دویست نفر از نوجوانان دختر و پسر که به

تعداد مساوی از سه منطقه تهران بر اساس ملاک قیمت زمین‌های مسکونی (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۴۷) و ملاک عرف از نظر سطح زندگی و ویژگی‌های فرهنگی، به مثابه نماینده‌ای از مناطق بالا (منطقه ۲، شهرک غرب)، متوسط (منطقه ۵، آریاشهر) و پایین (منطقه ۱۰، میدان بریانک و چهارراه رضایی) انتخاب شده‌اند.

ب) شیوه نمونه‌گیری

غالباً بهترین شیوه نمونه‌گیری در تحقیقات اجتماعی، نمونه‌گیری تصادفی (نظام‌مند) است که متأسفانه در این تحقیق به دلیل در دست نبودن حجم جمعیت و امکان برخورداری از مطالعه در محیط طبیعی، امکان استفاده از آن وجود نداشت. به همین دلیل، از نمونه‌گیری هدفدار که نوعی نمونه‌گیری تصادفی ساده محسوب می‌گردد، استفاده شده است.

«در نمونه‌گیری هدفدار، پژوهشگر بر اساس اطلاعات قبلی از جامعه و با عنایت به هدف‌های معینی داوری شخصی خود را برای انتخاب نمونه به کار می‌برد. پژوهشگر در این حالت فرض می‌کند اطلاعات او می‌تواند به انتخاب نمونه معرف جامعه کمک کند» (دلاور، ۱۳۷۸: ۱۱۲).

بر این اساس، پس از تقسیم جامعه آماری - شهر تهران - به مناطق سه‌گانه مذکور در بالا و بر اساس مطالعات پیشین، با اهداف معینی به مکان‌های تجمع نوجوانان مورد نظر مراجعه و با آن‌ها مصاحبه توأم با پرسشنامه انجام شده است.

ج) روش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات

بنا بر حساسیت موضوع، خصوصاً تحقیقات میدانی در ایران و برای بالا بردن دقت کار و به دست آوردن نتایج عینی مطابق با واقع، در جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه توأم با مصاحبه، به شیوه همدلانه که یکی از موفق‌ترین شیوه‌های تحقیقات اجتماعی در ایران است، استفاده شده است. از جمله مسائل مهم که رعایت آن‌ها در تحقیقات به شیوه همدلانه ضروری است، هم‌رنگی و مشابهت پرسشگر با پاسخگو است تا اعتماد پاسخگو جلب شود و پاسخ‌هایی واقعی‌تر به پرسشگر بدهد. در این

تحقیق نیز به چنین شرایطی توجه شده است؛ یعنی، در درجه اول برای تکمیل پرسشنامه در بین دختران، از پرسشگر دختر و در بین پسران، از پرسشگر پسر استفاده شده است. همچنین برای تکمیل پرسشنامه در بین افرادی که متظاهر به الگوهای غربی رپ و هوی متال بودند، از پرسشگرانی که خودشان دارای ویژگی‌های ظاهری رپ و هوی متال بودند، استفاده شده و خود محقق نیز به جهت درک میدان تحقیق که به تحلیل نهایی پژوهش کمک می‌کند، در تکمیل پرسشنامه‌ها شرکت کرده و از لحاظ شکل ظاهری، وضعیتی مشابه آن‌ها را به خود گرفته است.

نحوه دسترسی به افراد نمونه نیز به این روش بوده که برای نوجوانان متظاهر به الگوهای غربی، برگه‌ای شامل ویژگی‌های ظاهری گروه‌های رپ و هوی متال در غرب تنظیم شده بود و پرسشگر بر اساس آن، با هر نوجوانی که در مکان‌های مورد تجمع افراد مورد نظر در مناطق مشخص شده، دارای برخی از آن ویژگی‌ها بود، پس از جلب اعتماد آن‌ها، مصاحبه توأم با پرسشنامه انجام می‌داد. راجع به نوجوانان غیرمتظاهر به الگوهای غربی نیز، به منزله نمونه‌ای از جمعیت کل نوجوانان، صرفاً با توجه به ملاک نداشتن ویژگی‌های ظاهری مندرج در برگه تنظیم شده مطابق با ویژگی‌های ظاهری رپ و هوی متال، پس از جلب اعتماد آن‌ها با ایشان مصاحبه توأم با پرسشنامه انجام شده است.

د) روایی (Reliability) و اعتبار (Validity) پرسشنامه‌ها

برای بالابردن میزان اعتبار و روایی سئوالات پرسشنامه، دقت‌ها و حساسیت‌های زیادی به عمل آمده است تا پرسشنامه‌ای قابل اعتماد، تنظیم و تکمیل شود. به طور اختصار می‌توان به مواردی از قبیل تهیه شاخص‌ها و گویه‌ها از منابع اصلی قابل اطمینان، سنجش سئوالات پرسشنامه با «آزمون مقدماتی» (PreTest)، بازسازی سئوال‌ها و نحوه پاسخ به آن‌ها با استفاده از آرای افرادی که در موقعیت نمونه‌های انتخاب شده برای تحقیق بودند، و دقت در تکمیل پرسشنامه‌ها اشاره کرد.

ه) روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، علاوه بر تحلیل‌های نظری، از آزمون‌های آماری مقایسه میانگین‌ها و آزمون آماری رگرسیون یک متغیره و چندمتغیره استفاده شده است.

و) متغیرها

متغیر مستقل فرضیه تحقیق عبارت است از:

«احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان نسبت به نظام اجتماعی».

شاخص‌هایی که برای سنجش متغیر مستقل تحقیق از نتایج نظریه‌ها و مباحث نظری تحقیق به دست آمده‌اند، عبارتند از: ۱- احساس بی‌ارزش بودن در جامعه، ۲- احساس عدم مشارکت اجتماعی، ۳- احساس تنهایی اجتماعی، ۴- احساس کنترل‌شدگی بیش از حد، و ۵- احساس بی‌زاری اجتماعی.

بر اساس شاخص‌های فوق، هنگامی که نوجوانان احساس کنند در جامعه فاقد ارزش و مشارکت اجتماعی هستند، احساس تنهایی یا جداافتادگی نسبت به نظام اجتماعی به آن‌ها دست می‌دهد و با کنترل بیش از حد از سوی نظام اجتماعی و فشار ناشی از این عوامل، نسبت به نظام اجتماعی خود احساس بی‌زاری پیدا می‌کنند و در نتیجه، نسبت به نظام اجتماعی خود احساس بی‌هویتی اجتماعی خواهند کرد.

متغیر وابسته فرضیه تحقیق عبارت است از:

«هویت‌یابی نوجوانان در قالب گرایش به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال».

برای سنجش این متغیر، شاخص‌هایی در سه سطح گرایش‌های ایستاری، کنشی، و نمادی بر اساس ویژگی‌های حاکم بر گروه‌های رپ و هوی‌متال در غرب تنظیم شده است که بنا بر اهمیت و گستردگی آن‌ها، هر کدام به مثابه یک متغیر وابسته فرضی در نظر گرفته شده است.

* منظور از سطح ایستاری، مجموعه‌ای از ویژگی‌های شناختی و ارزشی، منظور از سطح کنشی، مجموعه‌ای از الگوهای هنجاری و رفتاری، و منظور از سطح نمادی، مجموعه‌ای از ویژگی‌های ظاهری است (اورت و فلوید، ۱۳۷۶: ۱۱۱-۱۱۴).

قبل از آوردن شاخص‌های این سطوح، توجه به سه نکته ضروری است:

- ۱- شاخص‌هایی که برای این سطوح سه‌گانه ذکر خواهد شد، با توجه به ویژگی‌های گروه‌های مختلف رپ و هوی‌متال در کشورهای مختلف غربی طرح شده است. بنابراین، به رغم عمومیت داشتن این شاخص‌ها در کشورهای غربی، در برخی از زمینه‌ها نیز بین آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد. به همین دلیل، برخی از شاخص‌های طرح‌شده در یک گروه ممکن است با شاخص‌های دیگر در تناقض باشد.
- ۲- در مقایسه و سنجش این شاخص‌ها با افراد جامعه آماری تحقیق حاضر، ترکیبی از شاخص‌های ذکرشده مورد نظر است. بنابراین، ممکن است برخی از شاخص‌ها در بعضی از افراد وجود نداشته باشد.
- ۳- بیش‌تر شاخص‌هایی که مطرح می‌شود، بین دو جنس مذکر و مؤنث مشترک است.

شاخص‌های سطوح سه‌گانه گروه‌های رپ در غرب:

الف. شاخص‌های سطح ایستاری:

- ۱- نژادگرایی یا نژادپرستی، ۲- مبارزه با تبعیض نژادی، ۳- دوری‌جستن از عشق، ۴- برابری زن و مرد، ۵- جنسی‌گرایی (علاقه شدید به سکس و تجلیل از نقش جنسی زن)، ۶- حالت خیالی و شاعرانه دادن به استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی.
- ب. شاخص‌های سطح کنشی:

- ۱- خشونت (مخالفت با پلیس، خرابکاری و خونریزی)، ۲- به‌کاربردن کلمات رکیک و زشت در گفت‌وگوهای روزمره، ۳- مصرف مشروبات الکلی، ۴- استفاده از مواد مخدر (ماری‌جوانا، کوکائین، حشیش)، ۵- سیگار کشیدن.

ج. شاخص‌های سطح نمادی (ظاهری):

- ۱- لباس‌های شاد و شاد که از رنگ‌های روشن و شاد مثل سفید، قرمز، سبز و ترکیبی از رنگ‌های مختلف تشکیل شده است، ۲- پیراهن‌های بزرگ و گشاد، ۳- تی‌شرت‌هایی که تصویر خواننده‌ها و نوشته‌های مختلف یا نماد گروه رپ - (☉) - روی آن چاپ شده است، ۴- شلوارهای جین - بعضاً مندرس و پاره، ۵- کفش‌های اسپرت و لژدار گران‌قیمت، ۶- کلاه‌های لبه‌دار همراه با نوشته یا آرم که قسمت عقب آن جلوی سر قرار بگیرد، ۷- رنگ کردن موهای سر، ۸- فرق بازکردن، ۹- بردن موهای سر از جلو به

سمت بالا و پشت سر که پایین آن کوتاه‌تر است، ۱۰- زدن روغن و ژل به موهای سر، ۱۱- استفاده از عینک‌هایی که شبیه به عینک‌های پلاستیکی بچه‌هاست. این عینک‌ها دارای شیشه‌های رنگی سبز، آبی، جیوه‌ای، و... است، ۱۲- بلند کردن ناخن‌ها، ۱۳- رنگ کردن ناخن‌ها، ۱۴- آرایش غلیظ صورت در دخترها، ۱۵- برداشتن زیر ابرو در پسران و دختران (Epstein, 1990: 381,394; Took & S. Weiss, 1994: 614; Cotterell, 1996:37; CD Comtons, 1995; Aldridge, 1993:102-116)*.

شاخص‌های سطوح سه‌گانه گروه‌های هوی متال در غرب:

الف. شاخص‌های سطح ایستاری:

۱- مخالفت با سیطره یافتن تکنولوژی بر زندگی انسان (تکنولوژی باعث از بین رفتن شرافت انسانی و زندگی در اثر تکنولوژی بی‌معنا شده است)، ۲- خواهان عدالت اجتماعی، ۳- خواهان محکومیت جنگ، ۴- مخالفت با آلوده‌کنندگان محیط زیست، ۵- مبارزه با تبعیض نژادی، ۶- ضدیت با سردمداران سیاسی، ۷- اعتقاد به آزادی و رفع هر گونه محدودیت، ۸- پوچ‌گرایی و بدبینی به کل هستی (باید لباس سیاه پوشید، زیرا زندگی در وحشت و سیاهی و سرانجام آن، نابودی است؛ خدای تو مرده است و تو نیز اکنون مرده‌ای، گناهکارها همه بخشیده شده‌اند)، ۹- شیطان پرستی و شیطان‌خویی (قدرت شیطان قطعی و نهایی است)، ۱۰- اعتقاد به اندیشه‌های ماکیاولیستی (در کار و عمل سیاسی، برای رسیدن به پیروزی از وسایل مشروع و نامشروع باید استفاده کرد: فریب، نیرنگ و زیرپاگذاردن مبانی اخلاقی)، ۱۱- نفرت و نگرش منفی نسبت به جنس زن (زن موجودی برای به نابودی کشیدن مرد است).

ب. شاخص‌های سطح کنشی:

۱- خشونت (خونریزی و قتل، سرکشی بیش از حد، آزارگرایی و آزارپذیری، جنگجو بودن (سرچنگ داشتن)، مخالفت با پلیس، فحش و دشنام دادن)، ۲- رفتارهای ضد اجتماعی (شورش و تفر در برابر نسل بزرگ‌تر، خرابکاری یا ویرانگری (Vandalism)، ۳-

* همچنین در این قسمت علاوه بر منابع ذکرشده، از فیلم‌ها و تصاویر مربوط به گروه‌های رپ در غرب نیز استفاده شده است.

رفتارهای بی‌پروا و بی‌باکانه (Reckless Behavior)، ریسک کردن در زندگی یا به خطر انداختن خود، شیادی، فریب دادن یا دودره کردن، ۴- خودکشی، ۵- مصرف مواد مخدر (کوکائین، ماری‌جوانا، حشیش)، ۶- نوشیدن مشروبات الکلی، ۷- خالکوبی روی بدن، ۸- تشکیل و شرکت در دسته‌ها و گروه‌های تبهکار (Gang)، ۹- برگزاری و شرکت در مهمانی‌های مختلط دوستانه، ۱۰- مسائل جنسی (هرزه‌گری زنان، ربودن کسی و تجاوز جنسی به زور با او، پرخاشگری جنسی، هرج و مرج جنسی (مقاربت اشتراکی بدون مراعات قواعد ازدواج)، همجنس‌گرایی.

ج. شاخص‌های سطح نمادی (ظاهری):

۱- تصویر یا مجسمه استخوان و اسکلت سر انسان - (☠) - نماد گروه‌های هوی‌متال است؛ این نماد به صورت‌های مختلف گردن‌بند، انگشتر، جاسوئیچی، طرح روی لباس و... مشاهده می‌شود، ۲- سر و وضع نامرتب، ۳- لباس‌های عمدتاً سیاه، تیره و ژولیده، ۴- استفاده از تی شرت‌های سیاه که نام یکی از گروه‌های موسیقی عمومی یا پاپ (Popular Music) البته در بیشتر موارد متالیکا (Metalica) روی آن‌ها نوشته شده است، ۵- ژاکت‌های چرمی سیاه، ۶- شلوارهای جین تنگ که در قسمت‌های زانوها، باسن‌ها و ران‌هایشان چاک خورده است، ۷- چکمه‌های گاو‌بازی یا پوتین‌های سنگین و زمخت، ۸- موهای بلند و ژولیده، ۹- استفاده از زیورآلات (زن‌جیر، گردن‌بند، دست‌بند چرمی و غیر آن) و استفاده از گوشواره یا حلقه در گوش چپ که بعضاً نقش جمجمه یا یکی از نمادهای گروه‌های هوی‌متال را داشته باشد، ۱۰- شخصیت شوریده، خمار و دیوانه‌وار

(Stak & ... 1994: 15-17; Arnet, 1991: 573-592; Took & S. Weiss, 1994:614;

Hall Hansen &..., 1991: 335 - 336; Norman, 1996:6-7; Cotterell, 1996:37) **

۱۰. نتایج مطالعه میدانی

در پژوهشی که قبلاً ذکر آن رفت، علاوه بر نقد و ارزیابی و تحلیل‌های نظری نقش عوامل واسط نظام اجتماعی در شکل‌گیری احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان،

** در این قسمت، علاوه بر منابع ذکر شده، از فیلم‌ها و تصاویر مربوط به گروه‌های هوی‌متال در غرب نیز استفاده شده است.

پرسشنامه‌ای تنظیم شده است که در آن بر اساس عوامل واسط نظام اجتماعی و خود نظام اجتماعی، گویه‌هایی برای سنجش متغیر مستقل - احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان نسبت به نظام اجتماعی - و گویه‌هایی برای سنجش متغیر وابسته - هویت‌یابی نوجوانان در قالب گرایش به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال - در سه سطح ایستاری، کنشی، و نمادی تنظیم شده که باشیوه مصاحبه‌توأم با پرسشنامه در بین نمونه‌هایی از دو گروه نوجوانان متظاهر و غیرمتظاهر (نوجوانان عادی) به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال در تهران تکمیل شده و داده‌های آن در فصلی جداگانه بررسی گردیده است. در این قسمت، برای ذکر نمونه‌ای عملی در تأیید رابطه بین هویت اجتماعی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی که موضوع مقاله حاضر است، نتایج کلی مطالعه میدانی پژوهش مذکور، که فرضیه کلی آن - هرچه احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان نسبت به نظام اجتماعی بیش‌تر، هویت‌یابی جدید آن‌ها در قالب گرایش به الگوی غربی رپ و هوی‌متال بیش‌تر - در حد بالایی تأیید شده است، ارائه می‌شود.*

البته متغیر وابسته فرضیه مزبور، به سه متغیر وابسته فرعی در سه سطح ایستاری، کنشی، و نمادی تقسیم شده و مورد سنجش قرار گرفته است که در این جا، صرفاً به ارائه نتایج متغیر وابسته کلی که از مجموع متغیرهای وابسته فرعی ایستاری و کنشی تشکیل شده است، و ارائه نتایج هر کدام از آن‌ها به‌طور مجزا در بین مجموع هر دو گروه نوجوانان پرداخته می‌شود (در جدول صفحه بعد، نتایج فوق ارائه شده است).

* برای توضیح بیش‌تر در این زمینه و کسب اطلاع از نتایج مفصل آن درباره هر کدام از گروه‌های نوجوانان به‌طور مجزا، مراجعه شود به: اشرفی، ابوالفضل. بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غزب - بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال در تهران. رساله فوق لیسانس، دانشگاه تربیت مدرس، بهار ۱۳۷۷.

جدول ۱-۱۰. توزیع آماری نتایج آزمون‌های آماری رگرسیون یک‌متغیره و چندمتغیره بین متغیر مستقل و شاخص‌های پیش با متغیر وابسته و شاخص‌های پیش در بین نوجوانان متظاهر و غیرمتظاهر به الگوهای خرابی رب و هوی‌ستال

تست‌شونده	هویت‌یابی در قالب گرایش به رب و هوی‌ستال		هویت‌یابی در قالب گرایش استاری به رب و هوی‌ستال		هویت‌یابی در قالب گرایش متظاهر به الگوهای خرابی رب و هوی‌ستال		هویت‌یابی در قالب گرایش غیرمتظاهر به الگوهای خرابی رب و هوی‌ستال	
	ضریب تعیین (R ^۲)	ضریب تعیین (Sigf)	ضریب تعیین (β)	ضریب تعیین (Sigf)	ضریب تعیین (R ^۲)	ضریب تعیین (Sigf)	ضریب تعیین (R ^۲)	ضریب تعیین (Sigf)
بین‌کننده	۰/۴۰۶۹	۰/۰۰۰	۰/۶۳۷۹	۰/۰۰۰	۰/۳۴۴۸	۰/۰۰۰	۰/۴۰۱۳	۰/۰۰۰
احساس‌های هویتی نسبت به								
طام اجتماعی	۰/۴۰۶۹	۰/۰۰۰	۰/۶۳۷۹	۰/۰۰۰	۰/۳۴۴۸	۰/۰۰۰	۰/۴۰۱۳	۰/۰۰۰
حساس‌سازی‌شودن در جامعه								
(X۱)	۰/۴۸۴۱	۰/۰۰۰	۰/۲۳۳۲	۰/۰۰۰	۰/۴۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۴۰۱۳	۰/۰۰۰
حساس‌عدم‌مشارکت‌اجتماعی								
(X۲)	-	-	-	-	-	-	-	-
حساس‌تنهایی‌اجتماعی								
(X۳)	۰/۴۸۴۱	۰/۰۰۰	۰/۳۹۶۸	۰/۰۰۰	۰/۴۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۴۰۱۳	۰/۰۰۰
حساس‌محدودیت‌پیش‌از‌حد								
(X۴)	-	-	-	-	-	-	-	-
حساس‌بیزاری‌اجتماعی								
(X۵)	۰/۴۸۴۱	۰/۰۰۰	۰/۲۵۵۰	۰/۰۰۰	۰/۴۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۴۰۱۳	۰/۰۰۰
آزمون‌مندی	۰/۰۰۰	۰/۵۶۰۶	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴۳	۰/۰۰۰	۰/۵۸۷۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)
آزمون‌مندی	۰/۰۰۰	۰/۲۷۹۰	۰/۰۰۰	۰/۴۰۳۱	۰/۰۰۰	۰/۱۵۶۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)
آزمون‌مندی	۰/۰۰۰	۰/۳۹۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۰۳۱	۰/۰۰۰	۰/۳۲۲۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)
آزمون‌مندی	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	-
(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)
آزمون‌مندی	۰/۰۰۰	۰/۱۷۷۳	۰/۰۰۰	۰/۴۰۳۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۱۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)
آزمون‌مندی	۰/۰۰۰	۰/۴۹	۰/۰۰۰	۰/۴۰۳۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۱۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)	(β)	(Sigf)	(R ^۲)	(Sigf)

بر اساس جدول ۱- ۱۰، به طور کلی در نوجوانان متظاهر به الگوهای غربی رپ و هوی متال و غیرمتظاهر به الگوهای مزبور، با صد درصد اطمینان، ۴۱ درصد تغییرات در احساس هویت اجتماعی در قالب گرایش به الگوهای غربی رپ و هوی متال (در سطح ایستاری و کنشی) توسط احساس بی هویتی نسبت به نظام اجتماعی تبیین می شود. در این صورت، با احتساب ضریب تأثیر، معادله رگرسیون بدین صورت می شود:

$$\bar{Y} = 0/64 \text{ (احساس بی هویتی اجتماعی نسبت به نظام اجتماعی)}$$

در صورتی که شاخص های متغیر مستقل با متغیر وابسته وارد معادله شوند، ضریب

تعیین برابر ۰/۴۸ می شود؛ در این صورت، معادله رگرسیون چنین خواهد شد:

$$\bar{Y} = 0/23 \text{ (احساس بی ارزش بودن در جامعه)} + 0/25 \text{ (احساس بی زاری اجتماعی)} + 0/39 \text{ (احساس تنهایی اجتماعی)}$$

از بین شاخص های متغیر وابسته به مثابه متغیرهای وابسته فرعی، شاخص ایستاری

رپ و هوی متال با ضریب تعیین ۰/۳۴ در سطح صد درصد اطمینان و ضریب تأثیر ۰/۵۹

در سطح صد درصد اطمینان نسبت به شاخص کنشی رپ و هوی متال با ضریب تعیین

۰/۳۱ در سطح صد درصد اطمینان و ضریب تأثیر ۰/۵۶ در سطح صد درصد معناداری

سهام بیش تری در تبیین پذیری توسط متغیر مستقل دارد. همچنین در تبیین واریانس

شاخص ایستاری به مثابه متغیر وابسته فرعی، شاخص های احساس تنهایی اجتماعی،

احساس بی زاری اجتماعی، احساس بی ارزش بودن در جامعه، به ترتیب، بیش ترین سهم

از شاخص های متغیر مستقل را دارا هستند. در حالی که در تبیین واریانس شاخص کنشی

به منزله متغیر وابسته فرعی دوم، شاخص های احساس تنهایی اجتماعی، احساس

بی ارزش بودن در جامعه، و احساس بی زاری اجتماعی، به ترتیب، بیش ترین سهم از

شاخص های متغیر مستقل را دارا هستند. معادله متغیرهای وابسته فرعی، یعنی شاخص

ایستاری رپ و هوی متال (۱) و شاخص کنشی رپ و هوی متال (۲) به شرح ذیل است:

$$\bar{Y}_1 = 0/59 \text{ (احساس بی هویتی اجتماعی نسبت به نظام اجتماعی)}$$

$$\bar{Y}_1 = 0/16 \text{ (احساس بی ارزش بودن در جامعه)} - 0/31 \text{ (احساس بی زاری اجتماعی)} + 0/33 \text{ (احساس تنهایی اجتماعی)}$$

$$\bar{Y}_2 = 0/56 \text{ (احساس بی هویتی اجتماعی نسبت به نظام اجتماعی)}$$

$$\bar{Y}_2 = 0/13 \text{ (احساس بی ارزش بودن در جامعه)} + 0/28 \text{ (احساس تنهایی اجتماعی)} + 0/39 \text{ (احساس بی زاری اجتماعی)}$$

نتیجه گیری

همان‌طور که در این مقاله بیان شد، احساس هویت اجتماعی چه بسا به منزلهٔ عاملی بازدارنده، از انحرافات اجتماعی افراد - خصوصاً نوجوانان - پیشگیری و جلوگیری کند. به عبارت دیگر، در صورتی که عوامل اجتماعی‌کنندهٔ خانواده، مدرسه، رسانه‌های گروهی، گروه دوستان و در رأس همه، نهاد دولت که به منزلهٔ پل ارتباطی فرد و جامعه محسوب می‌شوند، عوامل زمینه‌ساز احساس هویت اجتماعی را فراهم کنند، به‌خصوص نوجوانان که روحيات خاص روان‌شناختی حساس و تزلزل‌پذیری دارند و محتاج زمینه‌سازی برای رشدشان هستند، در مقابل امواج انحرافی که در جامعه وجود دارد، آسیب‌پذیر نمی‌شوند و اگر هم دچار امواج انحرافی شده باشند، از انحراف آن‌ها جلوگیری به عمل خواهد آمد. این مقاله، بیان‌کنندهٔ واقعیت‌های مذکور است که اعتبار بیرونی آن‌ها نیز در حد بالایی تأیید شده است.

بنابراین، ضرورت دارد که دولت در مقام اصلی‌ترین نهاد و متولی سایر نهادهای اجتماعی‌کننده، و همچنین نهادهای دیگری که در این زمینه خارج از چهارچوب دولت عمل می‌کنند، تحولی در کارکرد نهادهای اجتماعی‌کننده ایجاد کنند تا با زمینه‌سازی برای شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی، خصوصاً نسل نوجوان و جوان جامعه، با ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی - اجتماعی خود آشنا شوند و شخصیت اجتماعی آن‌ها بر این اساس شکل بگیرد.

منابع

- اشرفی، ابوالفضل. «بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب» بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال در تهران. رسالهٔ فوق‌لیسانس، دانشگاه تربیت مدرس، بهار ۱۳۷۷.
- افروغ، عماد. فضا و نابرابری اجتماعی «ارائهٔ الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن». تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
- المصطفوی، حسن. التحقيق في كلمات القرآن الكريم. جلد ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- اورت، ام. راجرز؛ شومیکر، اف. فلویید. رسانش نوآوریها - رهیافتی میان‌فرهنگی. ترجمهٔ عزت‌الله کرمی،

ابوطالب فنایی. شیراز: دانشگاه شیراز، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

- برگر، پترل؛ لوکمان، توماس. ساخت اجتماعی واقعیت. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

- ترنر، جانانان اچ. ال بیگی. پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی، جلد دوم، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده. شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز، ۱۳۷۱.

- دلاور، علی. روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: مؤسسه نشر ویرایش، چاپ ششم، ۱۳۷۸.

- روشه، گی. کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیرالقرآن. جلد ۱۱، لبنان، بیروت: مؤسسه علمی المطبوعات، ۱۹۷۲م.

- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن. مجمع البیان فی تفسیرالقرآن. جلد پنجم، چاپ مؤسسه علمی الدارالمعرفه، لبنان، بیروت: چاپ دوم، ۱۹۸۸م.

- Aldridge, Heather. & Carlin, Diana B. "The RAP on Violence", *Communication Studies*. 44, 2, Summer 1993.

- Arnet, Jeffrey. "Heavy Metal Music and Reckless Behavior among Adolescents", *Journal of Youth and Adolescence*. 20, 6, Dec. 1991.

- Bottomore, Tome. *The Blackwell Dictionary of Twentieth Century Social Thought*. Oxford: Blackwell Pub., 1993.

- Burk, Peter. "Identity Process and Social Stress", *American Sociological Review*. Vol. 56, 1991.

- CD Compton's. *RAP Music*. New Media Inc., USA, 1995.

- CD Britanica. *Popular Music*. Encyclopaedia Britanica Inc., 1995.

- Cotterel, John. *Social Networks and Social Influences in Adolescence*. London and New York: Routledge, 1996.

- Epstein, Jonathons. "Teenagers, Behavior Problems and Preferences for Heavy Metal and RAP Music", *Deviant Behavior Journal*. Vol. 11, No. 4, 1990.

- Hall, Hanssen et al. "Constructing Personality and Social Reality through Music:

- Individual Differences among Fans of Punk and Heavy Metal Music", *Journal of Broadcasting and Electronic Media*. Vol. 35, No. 3, Summer 1991.
- Kroger, Jan. *Identity in Adolescence*. London and New York: Routledge, 1996.
 - Norman, Andy. "Punk: Past and Present", *The BBC World Service Magazine*. Feb. 1996.
 - Singer, Simon I. et al. "Heavy Metal Music Preference, Delinquent Friends, Social Control and Delinquency", *Journal of Research in Crime and Delinquency*. Vol. 30, No 3, 1993.
 - Stack, Steven et al. *The Heavy Metal Subculture and Suicide and Life-Threatening Behavior*. Vol. 24, 1994.
 - Took, Kevin J. & Weiss David S. "The Relationship between Heavy Metal and RAP Music and Adolescent Turmoil", *Adolescent Journal*. Vol. 29, No/ 115, 1994.
 - Wyn, Johanna & White, Rob. *Rethinking Youth*. London: Sage Pub., 1997.